

روزگار را به دست خود بگیر
ز غم و اندوه و غمگینان دور
ز غم و اندوه و غمگینان دور
ز غم و اندوه و غمگینان دور



شورای عالی انقلاب فرهنگی
۱۳۶۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرکار خانم دکتر علم الهدی

دبیر ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی

سلام علیکم

بسته سیاستی «هم افزایی اجتماعی در تحول راهبردی تربیت رسمی» در راستای تحقق منویات مقام معظم رهبری در نظام تربیت رسمی، و با رویکرد تحول آموزش و پرورش با مشارکت مردمی تدوین شده است.

این بسته سیاستی که نسخه اولیه آن را جناب آقای مهندس اردوان مجیدی به رشته تحریر درآورده‌اند، توسط صاحب نظران و در کارگروه‌های تخصصی مختلف، مورد نقد و بررسی قرار گرفته است و در چندین مرحله، پالایش، اصلاح و تکمیل شده است.

این سند، با محور قرار دادن چند گلوگاه تحول نهادی نظام تربیت، به عنوان نقاط اهرمی تحول، به دنبال راهکارهایی برای مشارکت فعال مردم در میدان تعلیم و تربیت و به تبع آن، تحقق سند تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی است.

سامان دادن تعریف برنامه‌های درسی در مدارس مبتنی بر یک برنامه درسی راهبردی ملی، ایجاد سازوکار حکمرانی مناسب برای آن، چگونگی تامین منابع و اختیارات برای تحقق آن، و نیز توجه به نظام شایستگی‌ها و کاهش تمرکز در کنکور برای به ثمر رسیدن بلند مدت آن، از گلوگاه‌های تحول در سند هم افزا است، که در هفت ماده تنظیم شده است.

ما به عنوان جمعی از فعالین تعلیم و تربیت کشور، بسته سیاستی هم افزایی اجتماعی در تحول راهبردی نظام تربیت را برای بررسی و تصویب در ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، پیشنهاد می‌کنیم.

با آرزوی جلب رضای الهی
جمعی از فعالین تعلیم و تربیت



فهرست
حامیان

فهرست حامیان بسته سیاستی هم‌افزا

۱) آقای اردوان مجیدی

(پژوهشگر حوزه‌های معماری نظام‌های کلان و معماری برنامه‌درسی)

۲) آقای محمد آزین

(مدیرعامل بنیاد برهان)

۳) آقای احمد رضا اعلائی

(مدیر موسس ادبستان پسرانه حمزه دوران و حسینیه کودک شهید چمران)

۴) آقای سلمان آذری

(دبیر کارگروه آموزش و پرورش سند تحول دولت)

۵) آقای مهدی عابدینی نیا

(معاونت آموزش ابتدایی اداره کل استان همدان)

۶) آقای علی امینیان

(مدیر مرکز تربیت اسلامی دانشگاه جامع امام حسین ع)

۷) آقای ابراهیم راستیان

(پژوهشگر حلقه مدرسه مرکز رشد دانشگاه امام صادق ع)

۸) آقای حسینعلی دیلم

(دبیر ستاد مدارس مسجد محور کشور)

۹) آقای مرتضی سلمانی ماهینی

(عضو هیئت مدیره خانه اندیشه‌ورزان)

۱۰) خانم سارا طالبی

(مدیر مرکز راهبردی بانوان سازمان تبلیغات)

۱۱) آقای حمیدرضا نظری

(عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و عضو هیئت مدیره مجموعه مدارس برنا و هدهد)

۱۲) آقای محمد دائی

(مدیرعامل موسسه عروج اندیشه)

۱۳) آقای هادی رزاق پور

(مدیر مجموعه آموزشی تربیتی بهشت)

۱۴) خانم مریم برادران

(عضو هیئت علمی پردیس خواهران دانشگاه امام صادق ع)



۱۵) خانم سارا طالبی

(مدیر مرکز راهبردی بانوان سازمان تبلیغات)

۱۶) آقای حمیدرضا نظری

(عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و عضو هیئت مدیره مجموعه مدارس برنا و هدهد)

۱۷) آقای محمد دائی

(مدیرعامل موسسه عروج اندیشه)

۱۸) آقای هادی رزاق پور

(مدیر مجموعه آموزشی تربیتی بهشت)

۱۹) آقای محمدرضا حشمتی

(معلم و پژوهشگر)

۲۰) آقای حمیدرضا افضلی

(مدیر مدرسه متوسطه دور اول مفید قم)

۲۱) آقای رامین اسلامی

(معلم و پژوهشگر)

۲۲) آقای علی اصغر بدری

(بازنشسته فرهنگی، مدرسه حکمت)

۲۳) خانم سیده معصومه حقیری

(کارشناس منابع انسانی دانشگاه فرهنگیان بوشهر)

۲۴) خانم منصوره سادات مرتضوی

(میر واحد تهران پژوهشکده زن و خانواده، پژوهشگر و فعال حوزه تعلیم و تربیت)

۲۵) آقای سعید یغموری

(مدیرعامل موسسه مطالعات راهبردی تعلیم و تربیت برهان)

۲۶) آقای محمد صالح معین الدینی

(مدیر دبستان راه شهدای کرمان، مدیرعامل مرکز مطالعات راهبردی تعلیم و تربیت اسلامی محیا)

۲۷) خانم ماریه گرگانی فیروزجایی

(مدیر و مربی موسسه رویش)

۲۸) آقای علی یونسی

(مدیر مدرسه شهدای علم و فناوری)

۲۹) خانم مریم علیاری

(مدیر مدرسه میرداماد)



۳۰) آقای علی حسینی توسل

(مدیر دبیرستان سبحان)

۳۱) آقای امیرمحمد اصفهانی

(عضو هیئت مدیره مجموعه علمی آموزشی راه روشن، پژوهشگر حوزه آموزش و پرورش)

۳۲) آقای سید مهدی دوایی

(پژوهشگر تربیت و برنامه ریزی آموزشی)

۳۳) آقای پیمان بیگدلی

(مدیرعامل موسسه توسعه آموزشی پژوهشی سینا)

۳۴) آقای حامد سعادت پور

(مدیر مجتمع آموزشی برنا و اندیشکده نوآیند)

۳۵) آقای حمیدرضا قلیلی فریمانی

(دبیر شورای مرکزی کانون معلمان جوان کشور)

۳۶) خانم مریم سلطانی

(مسئول میز تعلیم و تربیت بنیاد خاتم الاوصیا و مدیرعامل مجتمع آموزشی تربیتی رویش آرزوها)

۳۷) آقای محمدرضا نصیری

(مدیر مدرسه و پژوهشگر)

۳۸) آقای مهدی رضایی

(سر دبیر نشریه رشد آموزش ابتدایی)

۳۹) آقای عبدالله عیسوی

(موسس مدرسه مصطفی آمل)

۴۵) آقای رضا فرضی

(معلم و روانشناس)

۴۶) آقای نبی اصلانی

(معاون آموزشی)

۴۷) آقای رضا شمقدری

(معاون آموزشی)

۴۸) خانم الهام عظیمی

(معلم)

۴۹) آقای مجتبی کاظمی

(معلم)

۴۰) آقای عماد طیبی

(مدیر مجتمع آموزشی)

۴۱) خانم فرحناز سالکی

(دانشجوی دکتری آموزش عالی)

۴۲) آقای ابوالفضل رحیمیان

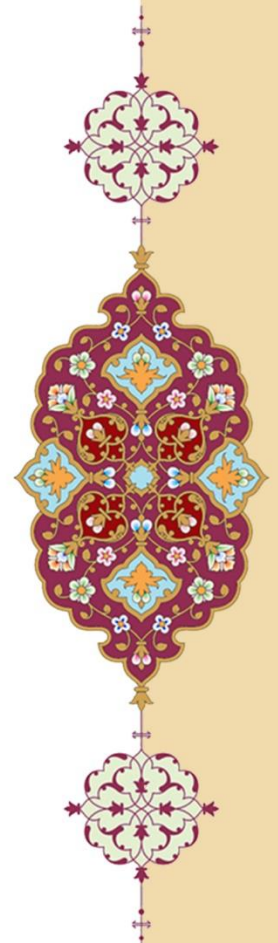
(مسئول دفتر مطالعات تربیت آینده)

۴۳) خانم زینب خضری

(مدیر مدرسه)

۴۴) آقای وحید حضرتی

(معلم مدرسه مفید)



۴۵) آقای رضا فرضی

(معلم و روانشناس)

۴۶) آقای نبی اصلانی

(معاون آموزشی)

۴۷) آقای رضا شمقدری

(معاون آموزشی)

۴۸) خانم الهام عظیمی

(معلم)

۴۹) آقای مجتبی کاظمی

(معلم)

۵۰) خانم طیبه دلشادی

(معلم)

۵۱) آقای احمد محققیان

(معلم)

۵۲) آقای محمد حسین محمدی

(معلم)

۵۳) خانم لیلا سلیقه دار

(معلم)

۵۴) خانم خدیجه زارعی

(معلم)

۵۵) خانم سیده میترا امیری

(معلم)

۵۶) آقای سید علی آقابزاز

(معلم)

۵۷) خانم فاطمه زارعی

(معلم)

۵۸) آقای احمد محققیان

(معلم)

۵۹) خانم فاطمه نمازی

(معلم)

۶۰) خانم فاطمه طاهری زاده

(دانشجو معلم)

۶۱) آقای محمد کاشانی

(مشاور آموزشی)

۶۲) خانم زهرا ساداتی نژاد

(معلم و روانشناس)

۶۳) خانم منصوره ایران نژاد

(معلم و پژوهشگر)

۶۴) خانم عطیه پایمرد

(دبیر علوم اجتماعی)

۶۵) آقای عابد بهزادی اصل

(دانشجو)

۶۶) خانم زهره صابر

(دانشجو)

۶۷) آقای حسین رضایی

(دانشجو)

۶۸) آقای علیرضا توکلی

(پژوهشگر)

۶۹) آقای حمزه علی محمد صالحی

(فرهنگی)

۷۰) خانم بختیاری

(مدیر مدرسه)

۷۱) آقای عرفان گلینی

(پژوهشگر)

۷۲) آقای مهدی شریعت زاده

(پژوهشگر)

۷۳) آقای علیرضا میرزایی

(معلم و پژوهشگر)

۷۴) خانم فاطمه ظفرمند

(عضو هیئت علمی)



(۷۵) آقای یونس کاوسی غیور

(کارشناس فرهنگی و هنری و مشاوره)

(۷۶) آقای احسان کریمی

(پژوهشگر و فعال حوزه تعلیم و تربیت)

(۷۷) خانم نرگس یحیائی

(کارشناس فرهنگی و استاد دانشگاه)

(۷۸) آقای یحیی بهمنی

(مدیر مجموعه حیات طیبه)

(۷۹) خانم فاطمه اشرفی

(مدیر تولیدی محیاپوش)

(۸۰) آقای علیرضا هاشمی فر

(پژوهشگر آموزش و پرورش)

(۸۱) آقای علیرضا امیربکائی

(مدیر الگوی تعلیم و تربیت رویش بنیاد برهان)

(۸۲) آقای وحید لحمی

(دبیر طرح تحول مدرسه هدایت)



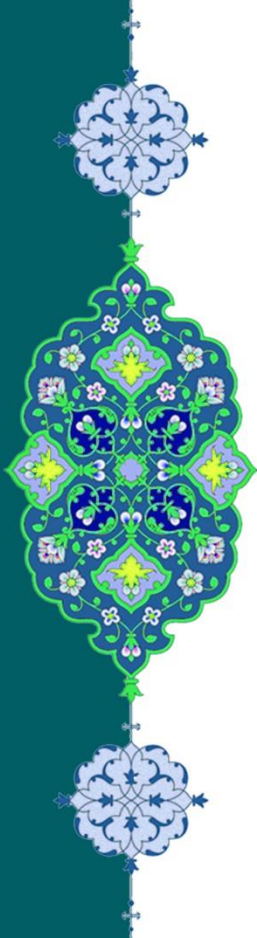
سرکار خانم دکتر علم الهدی دبیر ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی

سلام علیکم

ابتدا لازم است مجدداً، شهادت شهید جمهور و خدمت، رئیس جمهور محبوب، جناب آقای دکتر رئیسی، را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض کنم. ان شاء الله خداوند متعال مراتب ایشان را اعتلا، و به شما و خانواده محترم صبر عطا کرده، و به مردم ایران و خدمتگذاران دیگر این نظام، توفیق ادامه دادن راه آن شهید بزرگوار، و خدمت موثر را عنایت کند. سال قبل در جلساتی خدمت حضرتعالی و نیز اعضای دبیرخانه محترم ستاد، جناب آقای دکتر موسوی و همکاران محترم، توضیحاتی در مورد فرایند تکمیل بسته سیاستی "سیاست‌های هم‌افزایی اجتماعی در تحول راهبردی نظام تربیت" ارائه کردم.

در سال ۱۴۰۱ سند پیشنهادی "تربیت برای تمدن‌سازی نوین اسلامی - راهبرد ملی و تمدنی تحول تربیت عمومی و رسمی"، توسط اینجانب، در پی یک فرایند پژوهش و طراحی ۲۵ ساله تدوین و منتشر شد. در پاییز سال ۱۴۰۱، پس از بررسی آن سند در ستاد تعلیم و تربیت، به درخواست ستاد، تدوین این بسته سیاستی، در محورهای گلوگاهی تحول نظام تربیت، مبتنی بر یافته‌های سند مذکور، به بنده محول، و نسخه اولیه بسته سیاستی مذکور در زمستان ۱۴۰۱، به ستاد ارائه گردید.

با توجه به اینکه جوهره این بسته سیاستی بر آن بود که تحول نظام تربیت، فقط در بدنه رسمی نظام تربیت محقق نمی‌شود، و بدون ایجاد هم‌افزایی و مشارکت وسیع فعالان نظام تربیت، و به رسمیت شناختن فعالیت آن‌ها، تحول مطلوبی رخ نخواهد داد، پیشنهاد بنده این بود که پالایش این بسته سیاستی نیز، ابتدا با مشارکت بدنه اجتماعی فعالان تربیت انجام شده، و به وسیله جمعی از فعالان به شورا ارائه شود. با موافقت عزیزان ستاد، و مشارکت بزرگوارانی از فعالان خبره گرامی حوزه تربیت، جمعی شکل گرفت، که آن جمع، عنوان "قرارگاه هم‌افزایی اجتماعی تحول نظام تربیت" را برای

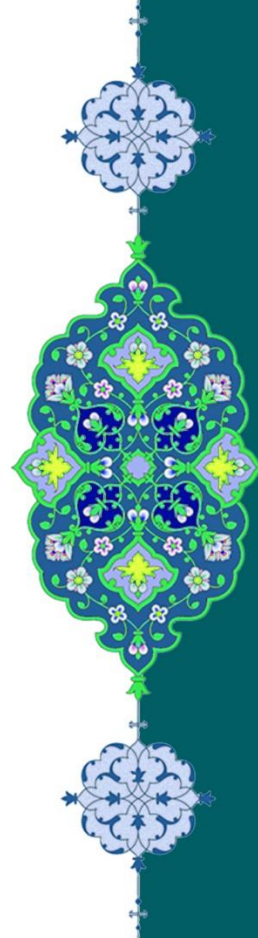


خود انتخاب کرد؛ و جناب آقای دکتر ابراهیم راستیان، دبیری این قرارگاه را متقبل شدند.

بسته سیاستی مذکور، در این قرارگاه، طی یک فرایند یک ساله، از اردیبهشت ۱۴۰۲ تا کنون، مورد پالایش و بحث عمومی و تخصصی قرار گرفت. ۴ کارگروه تخصصی، زوایای مختلف این بسته سیاستی را با خبرگان و فعالان حوزه تربیت و حوزه های مرتبط، مورد بررسی قرار دادند. در این مرحله، نزدیک به ۱۰۰ نفر از صاحب نظران، در جلسات متعدد و مختلف تخصصی، به نقد و بررسی بسته پرداختند. پس از آن، در مرحله بعد، متن بسته سیاستی مذکور به صورت عمومی منتشر، و بازخوردهای صاحب نظران در مورد آن کسب و حتی الامکان اعمال شد. نتیجه این پالایش تا کنون، نسخه ای است که در حال حاضر، به پیوست نامه جمعی از فعالان حوزه تربیت، خدمت شما تقدیم می شود.

بنا بر آن بود که این نسخه از بسته سیاستی، در خرداد ماه سال جاری، در همایشی، بین خبرگان و فعالان، به صورت یکپارچه و در جلسات متعدد، به نقد و بحث گذاشته شود؛ که واقعه ناگوار اردیبهشت ماه امسال، کام همه را تلخ، و فرایند درگیر شدن اکثر عزیزان در فرایند انتخابات، برگزاری همایش را دشوار کرد. طبق مشورتی که با جناب آقای دکتر موسوی داشتیم، بنا بر آن شد که همین نسخه کنونی، تقدیم حضرتعالی و ستاد تعلیم و تربیت شود، و همایش نقد، در فرصت بعدی، ان شاء الله برگزار شده، و نتایج آن نیز برای پالایش و تدوین نسخه های بعدی، به ستاد تعلیم و تربیت، تقدیم شود. ضمن آنکه شایسته است که تعامل با فعالان و خبرگان این حوزه، در ادامه فرایند پالایش این بسته سیاستی در خود ستاد و شورا، کماکان ادامه داشته باشد. همچنین لازم به تذکر است که مستندات مرتبط با پالایش این بسته نیز در فضای الکترونیکی در دسترس و قابل استفاده است.

جا دارد از همه عزیزانی که در این فرایند طولانی، بصورت جهادی و بدون چشم داشت مالی، ما را یاری کردند، تقدیر و تشکر شود. تعداد این عزیزان زیاد است، و بنده به جهت اختصار، به ذکر نام مسئولین محترم کارگروه ها و عزیزانی که به صورت مستمر در جلسات و مباحثات ما شرکت می فرمودند، اکتفا می کنم: جناب آقای دکتر ابراهیم راستیان، جناب آقای مجتبی گلینی،



جناب آقای دکتر عماد طیبی، جناب آقای محمدرضا میرزائی، جناب آقای مهدی شریعت زاده، سرکار خانم دکتر مریم برادران، جناب آقای محمدرضا حشمتی، جناب آقای روح الله عابدینی و جناب آقای سلمان آذری. همچنین لازم است از جناب آقای دکتر نفیسی، از همکاران محترم ستاد، که در این مدت، هماهنگی تعامل ما با ستاد تعلیم و تربیت را بر عهده داشته، و در اغلب جلسات ما نیز شرکت می کردند، تشکر و قدردانی کنم.

ان شاء الله این کار مثمر ثمرات مفید برای کشور و نظام اسلامی، و با برکت باشد. از خداوند متعال برای شما و همکاران محترم، آرزوی سلامتی و موفقیت دارم. الحمد لله رب العالمین.

اردوان مجیدی
۲ تیر ۱۴۰۳
بابلسر

لا حول ولا قوة الا بالله العلی اعظم

اردوان مجیدی

دومانه



متن پیشنهادی
سیاست‌های هم‌افزایی اجتماعی
در تحول راهبردی نظام تربیت

بسم الله الرحمن الرحيم



جمهوری اسلامی ایران
شورای عالی انقلاب فرهنگی

متن پیشنهادی

سیاست‌های هم‌افزایی اجتماعی در تحول راهبردی نظام تربیت

نگارش نهائی مرحله پالایش اجتماعی برای ارائه به ستاد تعلیم و تربیت

۱۴۰۳/۳/۲۹

سیاست‌های کلان

برای ایجاد زمینه مشارکت فعال و خلاقانه جامعه در تحول نظام تربیت، و افزایش عاملیت مدرسه، با تحفظ و تحکیم هویت ایرانی اسلامی، و تحقق عدالت تربیتی، در پاسخگویی به طیف‌های مختلف نیازها، استعدادها و شرایط متنوع متربیان و بوم‌های مختلف، نهادهای مختلف حاکمیت، طبق نقشها و مسئولیتهای تعیین شده در متن این سیاست‌ها، موظفند ضمن حمایت‌های لازم، با مشارکت حتی الامکان نهادهای اجتماعی:

۱. امکان تعریف الگوهای مختلف برنامه درسی مدارس، توسط مدارس داوطلب دولتی و غیر دولتی، با ایجاد سازوکارهای حکمرانی مناسب، و بررسی، تصویب و نظارت بر اجرای آن الگوها را فراهم کنند.
۲. در بستر سازوکار حکمرانی مذکور، نظام نظارت، ارزشیابی و اعتبار بخشی، به صورتی رشد دهنده، تنظیم‌گر، حمایتی، مراقبتی و حرکت آفرین در مسیر تحول، با حضور مستمر و همه جانبه در همه ابعاد نظام تربیت، پی‌ریزی و ایجاد شود.
۳. در تحقق عدالت آموزشی، منابع تحصیل رایگان شاگردان در مدارس دولتی و غیر دولتی تحول یافته در حیطه این سیاست‌ها، تامین شود.
۴. اقدامات لازم در فرهنگ سازی و اشاعه الگوهای ارتقاء شایستگی در مدیریت سرمایه انسانی را در کشور، انجام دهند.
۵. متناسب با ویژگیهای رشته‌های مختلف آموزش عالی، تمرکز سازوکارهای گزینش دانشجویان را حتی الامکان کاهش داده، و با حفظ عدالت آموزشی، بخشی از اختیارات برای تصمیم‌گیری در مورد معیارها و نحوه گزینش دانشجویان، به دانشکده‌ها، تفویض شود.

فهرست مطالب

سیاست‌های کلان	۱
پیشگفتار	۲
فصل اول - مقدمه	۴
فصل دوم - تعاریف	۶
فصل سوم - نظام تربیت عمومی و رسمی	۹
فصل چهارم - مدارس نوآور و خوداتکا	۱۴
فصل پنجم - الگوهای شایستگی و کنکور	۱۸

پیشگفتار

تحول نظام تربیت، بجز به شکل نهادی، و نهادینه شده در بطن جامعه، و با بکارگرفتن خلاقیت و تلاش اجتماعی، و مشارکت وسیع جامعه در کنار حاکمیت، محقق نمی شود. این تحول نهادی، در عین قرار داشتن در بافت حاکمیت، با حفظ پیوستگی و انسجام در ساختار حکمرانی ملی، باید در بطن جامعه، و در بستر گفتمان اجتماعی و کنش‌گری جمعی جامعه فعالان تعلیم و تربیت شکل گیرد. بدین لحاظ تعریف و تصویب قوانین موید این تحول، می تواند تحقق آن را در مسیر صحیح قرار داده، حمایت حاکمیت را از این حرکت نهادی تحول، ایجاد، و حرکت آن را مدیریت، تمهید و تسهیل کند.

بخصوص در صورتی که یک قانون موجز، بندهای راهبردی و موثر تحول را در بر داشته، و نقشهای محوری و گلوگاهی در شکل‌گیری جریان تحول، در آن تبیین شده، و باعث هم‌افزایی بازیگران متنوع تربیت شود، می توان انتظار داشت که تحول با شکل سلسله‌وار و به هم پیوسته، در فضای متعامل حکومتی، اجتماعی و نهادی رخ دهد. بسته سیاستی حاضر، بر همین اساس طراحی، تدوین و تنظیم گردیده است.

ضمن اینکه عناصر محوری این بسته، مبتنی بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، و برخی از تبیینهای راهبردی^۱ تنظیم گردیده، اما نقطه کانونی شکل‌گیری و تکامل این بسته، بر یک تعامل جمعی، و شکل‌گیری یک تلاش جمعی هم افزا انجام شده است. چگونه یک قانون بدون اینکه خود به صورت نهادی شکل گرفته باشد، می تواند منشاء شکل‌گیری یک تحول نهادی شود؟ ذات نیافته از هستی بخش، چون تواند که بود هستی بخش؟

بسته سیاستی حاضر نیز در یک فرایند اجتماعی، ضمن تعامل موثر با حاکمیت و ساختارهای حکمرانی، تدوین گردیده و می گردد. پس از مطالعات و تدوین برخی از مبانی راهبردی توسط پژوهشگران مستقل، با حمایت ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، فرایند گسترده و البته تدریجی‌ای آغاز گردید که در آن، طیف وسیعی از صاحب‌نظران، و فعالان حوزه تعلیم و تربیت، در طراحی، تدوین و پالایش این بسته، نقش ایفا کرده، و ان شاء الله این فرایند نیز ادامه

۱ - اردوان مجیدی؛ سند پیشنهادی "تربیت برای تمدن سازی نوین اسلامی - راهبرد ملی و تمدنی تحول تربیت عمومی و رسمی"؛ سند- راهبرد-ملی-و-تمدنی-تحول-تربیت-عمومی/https://ardavan-majidi.ir؛ نسخه اردیبهشت ۱۴۰۲.

و بتدریج در ترکیب یک خوشه اجتماعی، گسترش خواهد یافت. نسخه حاضر، نتیجه مراحل میانی این فرایند تلاش جمعی محسوب می‌شود!

تلاش بر آن است که این سیاست‌ها در تعامل بین صاحب‌نظران، متخصصان، ذینفعان و فعالان جامعه تربیت، مدارس پیشرو، ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی آموزش و پرورش، کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، و بخصوص سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ستاد تحول دولت، بررسی، تکمیل و تدقیق شده، و توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب برسد.

این بسته سیاستی پیشنهادی در دو سطح راهبردی و مبسوط تنظیم شده است. در سطح راهبردی، ماده اصلی و گلوگاهی در نظر گرفته شده است، که تقریباً می‌تواند بخش اصلی اثر بخشی مورد انتظار از سیاست‌ها را ایجاد کند. همچنین سایر موادی که احتمالاً در بررسی و تصویب سیاست‌ها، ممکن است توسط سیاستگذار به آنها احساس نیاز شود، با قلم ریزتر، با عنوان "ماده تکمیلی"، و زمینه خاکستری رنگ، متمایز شده است.

توصیه می‌شود ابتدا مواد راهبردی هفتگانه مطالعه شود، سپس کل مواد را بررسی فرمائید. در صورتی که فقط شرایط تصویب سطح راهبردی وجود داشته باشد، می‌توان به این مواد گلوگاهی اکتفا نمود. اما در صورتی که نیاز و شرایط تصویب و اجرای سطح مبسوط و تکمیلی وجود داشته باشد، سایر مواد نیز قابل استفاده است. همچنین تلاش بر آن است که برای هر یک از فصول یا مواد، مستندات تفصیلی پیوست نیز تهیه گردد.

۱ - در حال حاضر، گزارشی از این هم‌افزایی به صورت موقت در وبگاه: https://zil.ink/ham_afza و نیز سیاست‌های هم‌افزایی-اجتماعی-در-تحول-راه <https://ardavan-majidi.ir> قرار گرفته، و صاحب‌نظران گرامی از طریق آن می‌توانند در جریان فعالیت کارگروه‌های سند قرار گرفته و در آن مشارکت داشته باشند.

فصل اول - مقدمه

”در هر کاری که مسئولان کشور و مدیران اصلی کشور، امور را به مردم محول کردند، این کار موفق شد، این کار پیشرفت کرد؛ این یک تجربه است، این را باید ما یاد بگیریم؛ مکرر این را ما گفته ایم. یک وقت نگاه تنگ‌نظرانه است و مسئول دولتی انحصاراً کار را در دست میگیرد، این کار میماند، متوقف میشود؛ [اما] کار وقتی داده شد به نیروی عظیم و بی‌پایان مردم، با انگیزه‌هایشان، با توانهای مادی و معنویشان، آن وقت کار رشد پیدا میکند، شکوفایی پیدا میکند.“ (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیأت مدیره جامعه خیرین مدرسه‌ساز، ۱۵/۲/۱۳۹۳).

جایگاه ویژه مردم و نقش مشارکت‌های اجتماعی در امر تحول، و از جمله در نظام تربیت، بارها مورد تاکید مقام معظم رهبری بوده است! در جامعه امروزی که تحولات در آن بسیار

۱- از جمله:

”دولت مردمی فقط به این نیست که بروید میان مردم؛ این کار لازم است اما کافی نیست؛ باید بتوانید مشارکت مردم را در کارهای گوناگون و بخشهای گوناگون جلب کنید. من قبلاً هم یک وقتی گفته‌ام این را، ظاهراً در جمع شما شاید گفتم که بنشینید کیفیت جلب مشارکت مردم را برنامه‌ریزی کنید، تعریف کنید که چه جور میشود مشارکت مردم را جلب کرد؛ چه در زمینه‌های مالی و اقتصادی، چه در زمینه‌های سیاسی، چگونه میشود از فکر مردم و از نظر مردم استفاده کرد در بخشهای مختلف. این برنامه‌ریزی میخواهد.“ (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۴۰۱/۶/۸))

”یک مطلب دیگر اینکه یکی از دوستان گفتند «جلوی خصوصی‌سازی گرفته بشود». البته خطاهای بزرگی در زمینه‌ی خصوصی‌سازی انجام گرفته که این برادرمان هم به این خطاها اشاره کردند و بنده هم مکرراً تذکراتی داده‌ام که بعضی جاها اصلاح شده، بعضی جاها جلوی یک کاری گرفته شده. اشکالاتی در کار خصوصی‌سازی هست منتها اصل خصوصی‌سازی، نیاز مبرم اقتصاد کشور ما است؛ این جزو همان مواردی است که ساختار را - که اول وجود نداشت - تکمیل میکند. ما از اصل مربوطه در قانون اساسی استفاده‌ای کردیم، آن استفاده را اعلام کردیم، همه‌ی صاحب‌نظرها از همه جهت تأیید کردند، گفتند چیز خوبی است و واقعاً هم چیز خوبی است، جلویش را نباید گرفت، منتها در عمل، مثل خیلی از کارهای دیگر اشکالاتی وجود دارد و خطاهایی انجام گرفته، بی‌توجهی‌هایی شده؛ شاید در این زمینه لغزشهایی صورت گرفته، باید جلوی لغزشها را گرفت. آنچه وظیفه‌ی ما است، این است که جلوی لغزشها را بگیریم.

عصر چهارم این است که بالاخره در هر برهه‌ای راهکارهای عملی لازم است. ... این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی چه کسی است؟ این به عهده‌ی جریانهای حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. اینها میتوانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. ... کارگروه‌هایی که ممکن است به هم مرتبط هم نباشند اما بایستی هدایت بشوند، باید برنامه‌ریزی بشود. همه‌ی این کارها باید به وسیله‌ی جوانها برنامه‌ریزی بشود. البته همه‌ی اینها هم بایستی با الهام‌گیری از آن جهت‌گیری کلی که عرض کردم [یعنی] در جهت رسیدن به جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی است. در همه‌ی این کارها، آن برنامه‌ریزان، آن مراکز برنامه‌ریزی و هدایت - که گفتیم حلقه‌های میانی باید آن را انجام بدهند - باید به آن جهت‌گیری توجه داشته باشند.“ (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان (۱/۱۳۹۸/۳))

۱۳۹۸/۳

سریع، و پیچیدگی و تنوع در آن روز افزون است، اگر حاکمیت به دنبال تحول بنیادین در تربیت رسمی است، باید جایگاه ویژه‌ای برای مردم و مشارکت‌های اجتماعی، حول محور شکل‌گیری سرمایه انسانی اجتماعی، مد نظر داشته باشد. تحول و تغییر ماموریت نظام تربیت رسمی در راستای ساخت تمدن جدید اسلامی محقق نمی‌شود، مگر زمانی که از تمام ظرفیت‌های جامعه در تربیت استفاده شود.

تولیت حکمرانی نظام تربیت، امر حاکمیتی است، اما باید زمینه مشارکت فعال و خلاقانه جامعه در امر تربیت به صورت بسیج اجتماعی، نهادسازی، و فعالیت موسسات و مراکز مردم‌نهاد، در زمینه‌های ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و فناورانه و خدمت‌رسانی آنها، ایجاد مراکز آموزشی، تولید محتوی، تربیت نیروی انسانی و تامین منابع، فراهم آید.

به منظور تسریع و تمهید تحول خودسازمانده نهادی تربیت در کشور، و ایجاد انعطاف در برنامه درسی با مشارکت خلاقانه جامعه در نظام تربیت، برای پاسخگویی به نیازهای در حال تحول سریع جامعه، شکل‌گیری تمدن اسلامی جدید، افزایش کیفیت و کارآمدی، و استیفای ماموریت نهاد تربیت در آماده‌سازی فرزندان این کشور برای ایفای نقش موثر آنها در جامعه و نیز ساختن جامعه پیشرفته آینده، بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی آن، و برنامه درسی ملی، این سیاست‌های فرابخشی، در قالب مواد زیر، برای اجرا به دستگاه‌های مرتبط، ابلاغ، و نیز برای ترغیب و مطالبه مشارکت نهادها و فعالان اجتماعی حوزه تربیت، توصیه می‌شود.

فصل دوم – تعاریف

۱. **جامعه تربیت:** ترکیبی از معلمان، خانواده‌ها، متریان، مدیران، پژوهشگران، سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران، رسانه‌ها، و نهادهای رسمی و غیر رسمی در حوزه تربیت است، که در فرایند تربیت ایفای نقش کرده، و ذینفع هستند.
۲. **تربیت عمومی:** تعلیمات و اقدامات تربیتی است، که جامعه تربیت، از مرحله پیش از تولد (برای خانواده)، خردسالی، کودکی، نوجوانی و جوانی، تا هنگام ورود به آموزشهای عالی و آموزشهای کار، و نیز طی دوران کار و پس از آن در طول عمر، برای متریان، به صورت پیوسته یا گسسته، زمینه‌ای یا موردی، به صورت آموزشهای باواسطه (از طریق خانواده و اطرافیان)، غیر مستقیم (از طریق محیط، رسانه‌ها و افزارهای آموزشی غیر مستقیم)، یا مستقیم (به صورت انواع درس‌افزارها یا آموزشهای حضوری)، تمهید، برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند، و در نهایت ارتقاء عمومی توانمندیها و شایستگی‌های متریان، در این آموزشها و اقدامات تربیتی، مورد انتظار است.
۳. **تربیت رسمی:** بخشی از تربیت عمومی است، که با تولیت وزارت آموزش و پرورش (وزارت تربیت)، در قالب برنامه‌ها و اقدامات تربیتی طراحی شده، در مدارس و سایر نهادهای مرتبط، انجام شده، و به صورت رسمی مورد ارزشیابی، و اعتبار بخشی (گواهی پایان دوره) قرار می‌گیرد. بخشی از تربیت رسمی، طبق مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش، الزامی است، و همه واجدان شرایط ملزم به گذراندن دوره‌ها، و اخذ گواهینامه‌های مربوطه هستند. محدوده تربیت رسمی در مفاد این بسته سیاستی، شامل تربیت در حوزه آموزش عالی نمی‌شود، و به تربیت در حوزه ماموریت آموزش و پرورش محدود است.
۴. **نهاد فعال تربیت:** نهادی است که به صورت متمرکز، سازمان یافته و هدفمند، با برنامه‌درسی مشخص، فرایند تربیت را در حوزه تربیت عمومی یا رسمی، اجرا می‌کند؛ نظیر مدرسه، مجموعه‌های تربیتی (زنجیره مدارس به هم پیوسته و هم روش، و مراکز پشتیبان آنها)، رسانه‌های آموزشی، مراکز فرهنگی - آموزشی، مراکز فعالیت و تربیت (نظیر مراکز کار و آموزش حین کار).
۵. **نهاد رسمی فعال تربیت:** نهاد فعال تربیت دارای مجوز تربیت رسمی است که بخشی از فرایند تربیت رسمی را، زیر نظارت نهادهای متولی، انجام می‌دهد، (نظیر مدارس و آموزشگاههای فنی و حرفه‌ای).

۶. **شایستگی‌ها (اهداف آموزشی):** دانشها و مهارتهای فراگرفته شده توسط متریبان از یک سو، و فرهنگ و شخصیت شکل گرفته در متریبان از سوی دیگر، که در زندگی واقعی متریبان نمود عینی و موثر پیدا می‌کند، و هویت فردی، خانوادگی و اجتماعی او را شکل می‌دهند و نتیجه تربیت محسوب می‌شود.
۷. **شایستگی‌های پایه:** شایستگی‌ها و توانمندیهای کاربردی است که برای هر یک از متریبان، به جهت ایفای موثر نقش‌های اجتماعی آنها در جامعه، مورد انتظار است. تحقق این شایستگی‌ها و توانمندیها در همه متریبان، به عنوان سطح حداقل توانمندیها در تربیت عمومی و رسمی، مورد انتظار است.
۸. **شایستگی‌های عمومی:** شایستگی‌ها و توانمندیهای است که تربیت عمومی و رسمی، شرایط فراگیری آن را در طیف وسیع، فراهم می‌آورد، و متریبان می‌توانند بر حسب استعدادها و علائق خود، و شرایط و نیازهای محیطی، بخشی از این توانمندیها را در طول بهره‌مندی از تربیت عمومی و رسمی، کسب کنند.
۹. **برنامه‌درسی:** طرح [کلان یا خرد، راهبردی یا عملیاتی] یک میدان از شرایط، تدابیر و موقعیتهای یاددهی - یادگیری [در قالب مولفه‌هایی چون محتوی، مواد و منابع آموزشی، فضای آموزشی، زمان، گروه بندی، فعالیت‌های یاددهی - یادگیری، و سازوکارهای ارزشیابی، مبتنی بر مجموعه‌ای از رویکردها، روشها، سیاست‌ها و راهبردهای یاددهی - یادگیری] و مجموعه‌ای از نتایج (اهداف و پیامدهای یادگیری) مورد انتظار یا محتمل است.
۱۰. **برنامه‌درسی راهبردی:** طرح جهت‌گیریهای محوری و اصول و قواعد یک میدان یاددهی - یادگیری (چرائی و شرایط اجرا و تحقق)، و طیف نتایج یادگیری است.
۱۱. **برنامه‌درسی عملیاتی:** طرح سازوکارها، اقدامات و دستورالعمل‌های یک میدان یاددهی - یادگیری (چگونگی) و طیف نتایج یادگیری است.
۱۲. **برنامه درسی راهبردی ملی:** برنامه‌درسی راهبردی واحد که بر اساس برنامه‌درسی ملی، شامل تمام جهت‌گیریهای محوری و اصولی می‌شود و کلیه برنامه‌های درسی عملیاتی مدارس نوآور، مبتنی بر آن تعریف می‌شوند.
۱۳. **مدرسه نوآور:** مدرسه‌ای است که طبق ضوابط مصوب، برنامه درسی عملیاتی آن مبتنی بر برنامه درسی راهبردی ملی تعریف و به تصویب رسیده است. (چه مدارس که خود این برنامه

۱ - توانمندیهای کسب شده اثربخش. در این متن عبارت "شایستگی" (Competency) به صورت مترادف با "توانمندی"، به جای عبارت متداول "اهداف آموزشی"، به کار می‌رود. از یک سو عبارت "اهداف آموزشی" با توجه به تاکید آن بر آموزش، و مغفول قرار گرفتن پرورش، ذهنها را به سمت تاکید بر آموزش سوق می‌دهد، و از سوی دیگر با گرایش مسبوق به سابقه به آموزشهای رفتارگرا و یادگیری برنامه‌ای، این نوع از آموزشها را تداعی می‌کند.

درسی را به صورت خلاقانه طراحی کرده‌اند، و چه مدارسی که از الگوهای خلاقانه ایجاد شده توسط مدارس دیگر، به صورت بومی شده، استفاده می‌کنند).

۱۴. **مدرسه خوداتکا:** مدرسه نوآوری است که با پذیرش تمام ضوابط تعیین شده، با دریافت سرانه ویژه شاگردان، تمام مدیریت هزینه‌های خود را بر عهده می‌گیرد.

۱۵. **سرانه ناخالص هر شاگرد:** نسبت بودجه کل آموزش و پرورش رسمی، به تعداد کل شاگردان دوره‌های تربیت رسمی.

۱۶. **سرانه خالص هر شاگرد:** نسبت بودجه صف کل آموزش و پرورش رسمی، به تعداد کل شاگردان دوره‌های تربیت رسمی.

۱۷. **سرانه ویژه هر شاگرد:** مقدار سرانه واقعی است که به هر شاگرد مشخص، اختصاص پیدا می‌کند.

۱۸. **رویکرد استاد و شاگردی:** رویکردی است که در آن، مربی، علاوه بر توانمندیها و وظایف یک معلم، نقش استاد و مدیر تربیتی تعداد محدودی از متریان را بر عهده داشته، و در رویکرد استاد و شاگردی، متریان تحت تربیت خود را گام به گام، و به صورت تدریجی در طول مدت زمان، در مسیر رشد، حرکت می‌دهد. مربی برای این کار، شرایط مناسب را برای یادگیری و طی مسیر رشد در شاگردان خود، ایجاد نموده، برنامه‌درسی متناسب را اتخاذ و اجرا کرده، و هر یک از شاگردان خود را به صورت ویژه و منحصر به فرد، متناسب با نیازها، استعدادها، و ویژگیهای خاص خود او، مورد حمایت و تربیت قرار می‌دهد. مربی در نقش یک مرشد، مدت نسبتاً طولانی را با شاگردان همراهی کرده، و به عنوان یک تسهیلگر یادگیری، با تدابیر و راهنمایی‌های مناسب هر شاگرد، او را در طی کردن مسیر رشد، حمایت و تربیت می‌کند.

۱۹. **طیفهای ویژه متریان:** طیفهای مختلف متریان که هر طیف، دارای ویژگیها، با زمینه استعدادی مشترک یا اقتضائات مشترک تربیتی هستند.

۲۰. **بسترهای رشد و زندگی بومی:** ترکیب مناسب و متعاملی از بسترها و سبک تربیتی، زندگی و شغلی که در هر بوم و طیف شرایط زندگی، با تمهید نهادهای اجتماعی و حاکمیتی، شرایط بهره‌مندی حتی الامکان از رشد و پیشرفت فردی و اجتماعی متناسب بومی و ویژه‌گرا را ایجاد می‌کند.

۲۱. **عدالت تربیتی:** دسترسی آحاد جامعه و توزیع متناسب امکانات و ظرفیت‌های رشد به منظور شکوفایی استعدادهای فردی، خانوادگی، اجتماعی، متناسب با طیف ویژه متریان، و بسترهای رشد و زندگی بومی، و بهره‌مندی از کیفیت زندگی فردی و اجتماعی ناشی از تربیت، برای همه اقشار و مناطق.

فصل سوم - نظام تربیت عمومی و رسمی

ماده ۱: مبتنی بر اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی، برای ایجاد امکان تحول خودانگیخته و خلاقانه در الگوهای برنامه درسی مدارس و افزایش عاملیت مدرسه، با تحفظ و تحکیم هویت ایرانی اسلامی، و تحقق عدالت تربیتی، متناسب با بسترهای رشد و زندگی بومی، و نیازمندی‌های طیف‌های ویژه متریان، و نیز قابلیت سنجش و تطبیق برنامه‌های درسی متنوع مدارس با اصول، رویکرد کلان، اهداف، توانمندی‌ها، ارزش‌ها و معیارهای اصلی تعیین شده در آن اسناد، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، موظف است ظرف یک سال از ابلاغ این سیاست‌ها، در تعامل مستمر و وسیع با دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، و جامعه تربیت و مدارس پیشرو، برنامه درسی راهبردی ملی (جهت‌گیری‌های محوری و اصول میدان تربیت، و طیف نتایج یادگیری) و شایستگی‌های پایه و اهداف آموزشی کلان هر دوره، مقطع و حوزه را مستقل از پایه‌ها و مفاد کتابهای درسی، از برنامه درسی ملی و اسناد مرتبط، استخراج، طراحی و تدوین نموده، و به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش برساند و به صورت مستمر، هر دو سال یکبار، به روز کند.

این برنامه و اهداف مذکور، باید به گونه‌ای تدوین شود که اولاً بر اساس برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، و نیز راهنماهای مصوب برنامه درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری، باشد؛ ثانیاً بر اساس آن امکان ارائه الگوهای متنوع برنامه درسی عملیاتی، شامل روش‌ها، سازوکارها و محتوای آموزشی روزآمد و خلاقانه توسط مدارس و نهادهای فعال تربیت، مبتنی بر نیازهای مختلف و متنوع در حال تحول جامعه جدید و تمدن اسلامی در حال شکل‌گیری، وجود داشته باشد؛ ثالثاً قابلیت ارزشیابی عملیاتی و تطبیق آن برنامه‌های درسی، با برنامه درسی راهبردی ملی، وجود داشته باشد.

ماده ۲: ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، موظف است ظرف یک سال از ابلاغ این سیاست‌ها، در تعامل با نهادهای حاکمیتی و اجتماعی ذینفع، مقررات، و سازوکارهای حکمرانی را بخصوص در تمهید و تضمین کیفیت پایدار الگوهای متنوع برنامه درسی عملیاتی و اجرای آنها، از جمله فرهنگ‌سازی، بررسی، تصویب، نظارت، ارزشیابی و اعتباربخشی، به صورت توزیع‌شده و غیرمتمرکز، توسط نهادهای

پژوهشی، رسانه‌ای، مشاوره‌ای، حمایتی، اعتبار سنجی و نظارتی حاکمیتی و اجتماعی، طراحی، تصویب و ابلاغ نماید.

مهلت قانونی بررسی و تصویب برنامه درسی پیشنهادی مدارس، یا احراز شرایط یک مدرسه برای اجرای برنامه درسی عملیاتی تصویب شده مدارس دیگر، در این سازوکار حداکثر ۳ ماه خواهد بود. همچنین وزارت آموزش و پرورش موظف است ظرف یک سال از ابلاغ این سیاست‌ها، تمهیدات لازم برای شکل‌گیری و فعالیت نهادهای اعتبارسنجی و نظارتی مذکور را فراهم کند.

همچنین وزارت آموزش و پرورش موظف است، به موازات طراحی و توسعه این مقررات و سازوکارها، حمایت‌های لازم را از مدارس پیشرو، به عنوان نمونه‌های عملیاتی، برای شبیه‌سازی، موردکاوی، تعمیق و شفاف‌سازی فرآیندهای قانون‌گذاری و اجرا، انجام دهد.

ماده تکمیلی ۱-۳: برای ایجاد فضای مشارکت وسیع جامعه در سنجش و ارتقاء کیفیت در حوزه حکمرانی نظام تربیت، ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، موظف است، ظرف شش ماه از ابلاغ این سیاست‌ها، مقررات، و سازوکارهای فعالیت نهادهای مشاوره، نظارت و ارزشیابی و اعتباربخشی کادر، نهادهای تربیت، و دیده بان نظام تربیت را تعریف، و تصویب کند.

ماده تکمیلی ۲-۳: طبق ضوابط و مقرراتی که ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، ظرف ۶ ماه از ابلاغ این سیاست‌ها تدوین و تصویب می‌کند، وزارت آموزش و پرورش موظف است، با حمایت‌های لازم از ابعاد مختلف، شرایط شکل‌گیری و فعالیت شبکه نهادهای فعال جامعه تربیت را در سه حوزه "تبيين"، "اجرا" و "نظارت"، به گونه ای ایجاد کند، که توسط این شبکه، یک بسیج و جنبش اجتماعی - حاکمیتی برای مشارکت وسیع و فعال جامعه در حوزه تربیت انجام شده، و یک حرکت اجتماعی - حاکمیتی در ارتقاء تربیت کشور، محقق شود. این جنبش از جمله باید در موارد زیر، به صورت متناسب با برنامه‌درسی راهبردی ملی، مشارکت فعال ایجاد نماید:

○ بازطراحی و بازسازی معماری ساختمان مدارس دولتی و غیر دولتی، با مشارکت و جهاد مردمی و نهادهای مدیریت شهری، مسکن و شهرسازی و منابع طبیعی، و الزام مدیریت شهری و روستائی به نقش‌آفرینی مؤثر در این عرصه، و تأمین زمین و کمک بودجه عمرانی این بخش، برای احداث و نیز توسعه، تبدیل و تخصیص

مدارس با مساحت محدود، نامناسب و راکد، به مدارس مجتمع، وسیع، با معماری اسلامی و بومی، متناسب با رویکردهای نوین تربیتی نظیر یادگیری اکتشافی، مدرسه زندگی، مدرسه اجتماعی، و دارای امکانات و تجهیزات مناسب؛

- ایجاد محتوای آموزشی مناسب و متنوع، چند رسانه‌ای، با کیفیت مناسب؛
- ایجاد سکوهای آموزشی مناسب و متنوع، و ارائه خدمات با کیفیت در آنها؛
- ایجاد نهادهای فعال تربیت توسط مراکز مردمی، و طراحی و تدوین رویکردهای آموزشی متنوع و برنامه‌درسی عملیاتی، مبتنی بر برنامه‌درسی راهبردی این سند، و اجرای مناسب آن.

ماده تکمیلی ۳-۳: ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، در تعامل با شورای عالی آموزش و پرورش، باید پیش‌بینی **حمایتهای ویژه از نهادهای فعال تربیت**، از جمله نهادهای وابسته به مراکز طراحی و تولید و مراکز کار، برای مشارکت در مدارس نوآور، و نزدیک ساختن برنامه‌های درسی به آموزشهای کاربردی، و نیز سرمایه‌گذاری در نهادهای تربیتی مولد و موثر، پشتیبانی از جنبش اجتماعی مشارکت در ارتقاء تربیت را صورت دهد.

این حمایت باید از طریق سازوکارهایی نظیر معافیت‌های مالیاتی برای مشارکت در تربیت عمومی و رسمی، تمهید تسهیلات سازوکارهای اجرائی، و تمهید تسهیلات روشها و سازوکارهای برنامه‌درسی، از طریق تعامل موثر با سایر نهادهای قانونگذار و حاکمیتی، انجام شود.

ماده تکمیلی ۴-۳: ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی موظف است، نقشه **جامع تربیت عمومی و رسمی** را با مشارکت جامعه تربیت، و کلیه نهادهای فعال تربیت، تدوین، تصویب، ابلاغ و به صورت مستمر به روز کند. در این نقشه، باید:

الف- جایگاه تمام نهادهای فعال تربیت در تربیت عمومی و رسمی مشخص شده، و خلاءها برای ایجاد نهادهای جدید، و نیز اصلاح ماموریت نهادهای کنونی، پیش‌بینی شود.

ب- ترسیمی از ابعاد تربیت عمومی و رسمی انجام شده، و برنامه پوشش این ابعاد توسط نهادها، در دوره‌های مختلف زمانی تبیین شود.

ج- نگاشت و توزیع موقعیت و انواع نهادهای فعال تربیت، بر اساس اصول و اسناد آمایش سرزمین، و ابعاد دیگر توزیع جغرافیائی و خدماتی، تبیین شود.

د- جریان تربیت از محیط خانواده تا مهد کودک، پیش دبستانی، دبستان، دبیرستان، دانشگاه، آموزش ضمن خدمت، و آموزشهای رسانه ای و محیطی، به صورت یکپارچه تمهید شود، به گونه ای که کل جامعه، به صورت فعال و خلاقانه، موضوع تربیت را به عنوان یک امر حیاتی مورد توجه و اولویت قرار داده، و برای تربیت در تمام این دورانها آمادگی و توانمندیهای لازم را کسب کرده، و برنامه متنوع، خودسازمانده، ویژه‌گرا و فعالی را برای آن داشته باشد.

ه - شرایط استفاده از ظرفیتهای حوزه‌های علمیه، مراکز آموزش عالی، مراکز کار و مراکز علمی و پژوهشی در نهادهای تربیت و فعالیتهای آنها، پیش بینی شود. بخصوص بکارگیری طلاب، هم در نقش مربیان، و هم در تربیت مربیان و شکل دادن زنجیره استاد و شاگردی، در نقش سرمربی، و نیز ایفای نقش خود حوزه‌های علمیه در راهاندازی نهادهای تربیت، و تعامل فعال بین حوزه علمیه، مراکز آموزش عالی و مراکز علمی و پژوهشی، با نهادهای فعال تربیت در چرخه‌های سه گانه تحول (تبیین، اجرا و نظارت)، مورد تاکید است.

حاکمیت در این میان نقش محوری جریان ساز، بستر ساز، و جهت دهنده به جریان را ایفا می‌کند، و تعیین جزئیات برنامه‌های تربیتی توسط بخشهای مختلف نهاد و جامعه تربیت، به صورت متنوع، خلاقانه و مقتضی با شرایط، نیازها و امکانات جامعه انجام می‌شود.

ماده تکمیلی ۳-۵: برای تحقق رشد همه جانبه شاگردان، مورد تأکید است که حتی الامکان رویکرد استاد و شاگردی در مدارس اجرا شود. برای ارتقاء سطح معلمان به رویکرد استاد و شاگردی، لازم است تا معلمان، خود در رویکرد استاد و شاگردی تربیت و رشد یابند. وزارت آموزش پرورش، با تمرکز حوزه مراکز تربیت معلم و آموزش ضمن خدمت، و مشارکت دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی، ظرف یک سال از ابلاغ این سیاستها، موظف است سازوکارهای مناسب برای اجرای رویکرد استاد و شاگردی را به نحو مناسب طراحی و بتدریج در یک فرایند ۵ ساله اجرا

نمایند؛ به صورتی که با تشکیل زنجیره‌ای هرمی از مربیان و سرمربیان، حتی الامکان اکثر معلمان و مربیان کشور در قالب یک شبکه تربیت مربیان رشد کنند. در این شبکه معلمان هم در طول مدت تحصیل و هم در طول مدت خدمت، در جریان یک آموزش مستمر با هدایت استاد قرار می‌گیرند.

اثر بخشی این رویکرد در سطح آموزش و پرورش، زمانی به اوج خود می‌رسد که متربیان در آموزش عالی نیز با این رویکرد، مسیر یادگیری و تربیت را دنبال کنند. به همین دلیل ضروری است وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، بررسی‌های لازم را انجام داده، و در صورت اثبات اثربخشی، تدابیر لازم در این زمینه را انجام دهد.

ماده تکمیلی ۳-۶: وزارت آموزش و پرورش، موظف است ظرف دو سال، از طریق **بازمهندسی نظام سازمانی و اجرائی نظام آموزشی**، و چابک‌سازی آن، و ارتقاء بهره‌وری و کیفیت، و اعتبار سنجی مستمر آن، برای ایفای نقش‌های حاکمیتی و اجتماعی در حکمرانی و عملیات تربیت، و در نهایت بهینه‌سازی ساختار ستادی و انتقال نیروهای ستادی به صف، مصرف کل بودجه ستاد (اعم از اداری وزارتی تا شهرستانی، پژوهشی و غیره) خود را به حداکثر ۱۵٪ کل بودجه کاهش دهد.

ماده تکمیلی ۳-۷: برای ارتقاء شان معلمی، و ایجاد انگیزه برای جذب نیروهای توانمندتر در این زمینه، لازم است تا حتی‌الامکان **تراز معیشتی و رفاهی آنان** نسبت به سایر مشاغل، ارتقاء یابد. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، مکلف است بررسی لازم در این زمینه را ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ این سیاست‌ها انجام داده، و پیشنهادات خود را به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه کند. همچنین لازم است تا جایگاه معلمان در فضای فرهنگی، هنجاری و روانی جامعه نیز ارتقاء یابد. به همین منظور شورای عالی آموزش و پرورش موظف است، ظرف شش ماه از ابلاغ این سیاست‌ها، برنامه ارتقاء فرهنگی در این زمینه را طراحی و به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه کند.

ماده تکمیلی ۳-۸- برای ارتقاء جایگاه معلم و کیفیت و اثربخشی عملکرد آنها، لازم است تا **سیاست رتبه‌بندی معلمان**، به جایگاه کیفی و معنادار متناسب با مأموریت تربیت، سوق پیدا کند. به همین منظور، ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، موظف است، ظرف ۶ ماه، تغییرات پیشنهادی را طراحی و به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه کند.

فصل چهارم - مدارس نوآور و خوداتکا

ماده ۳: مدارس دولتی و غیر دولتی داوطلب، می توانند در چهارچوب برنامه درسی راهبردی ملی و اهداف و ارزش‌های مصوب آن، برنامه درسی عملیاتی (سازوکارها، اقدامات و دستورالعمل‌های میدان تربیت و نتایج یادگیری) خود را مبتنی بر رویکردها، الگوها و منابع آموزشی و تربیتی متفاوت، پیشنهاد، و پس از تصویب، اجرا کنند. به منظور تحقق عدالت آموزشی، و تحقق امکان نظارت عمومی و اجتماعی، برنامه‌های درسی مصوب و منابع مورد استفاده در آن، باید به صورت آزاد منتشر شده تا مدارس دیگر دولتی و غیر دولتی هم در صورت احراز شرایط، بتوانند آن را اجرا کنند. در برنامه درسی مصوب، باید شرایط مدارس مجری و ضوابط اجرای آن به صورت شفاف تبیین شده باشد. مدارس دیگری که دارای شرایط و ضوابط مذکور باشند نیز، می توانند آن برنامه درسی مصوب را اجرا نمایند. در این سیاست‌ها، مدارس که برنامه درسی عملیاتی مستقل به تصویب رسیده را اجرا می‌کنند (اعم از مدارس ارائه‌کننده برنامه درسی مذکور، و مدارس استفاده‌کننده از آن)، مدرسه نوآور نامیده می‌شوند.

ماده ۴: مدارس نوآور (دولتی یا غیر دولتی) داوطلبانه می‌توانند با پیوستن به مدارس خوداتکا و رعایت تام ضوابط این مدارس، و ثبت نام رایگان و بدون گزینش همه شاگردان، تحت پوشش تامین اعتبار سرانه شاگردان (تاسا)، قرار بگیرند. "سرانه ویژه هر شاگرد" توسط دولت به مدرسه خوداتکا، در اجرای اصل سی ام قانون اساسی، پرداخت می‌شود.

ماده ۵: برای تحقق عدالت آموزشی، "سرانه ویژه هر شاگرد"، با نسبت و میزان منطقی و مکفی، بر اساس محاسبه هوشمند و برخط سالانه مؤلفه‌های تأثیرگذار، طبق آئین‌نامه مصوب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (با تکیه بر تحلیل‌های کمی اقتصادی)، و با توجه به عواملی نظیر نسبت دهک درآمد خانواده، مناطق محروم، مدارس با محدودیتهای ویژه (نظیر تعداد شاگردان محدود، دورافتاده، نیاز به تمهیدات خاص)، شاگردان با نیازمندیهای حمایتی آموزشی خاص (نظیر شاگردان استثنائی و معلول)، شاگردان با توانمندیها، استعدادها و شایستگی‌های ویژه، و شاگردان رشته‌های نیازمند منابع، امکانات و حمایت‌های بیشتر (نظیر فنی و حرفه‌ای، و هنر)، که میانگین آن مساوی میانگین سرانه خالص شاگردان کل کشور باشد، محاسبه و تعیین می‌شود.

ماده تکمیلی ۴-۱: تمام انواع مختلف مدارس دولتی و غیر دولتی موجود می‌توانند به صورت مدارس نوآور محسوب شوند. ضمن آنکه مدارس نوآور خود می‌توانند انواع مختلفی از مدارس را با توجه به الگوهای مختلف برنامه درسی عملیاتی خود، نظیر مدرسه کارآفرینی، مدرسه کودکان نیازمند حمایت، مدرسه اکتشافی شناور، مدرسه طراحی و ساخت، مدرسه طبیعت، و مدرسه هنر ایجاد کنند.

ماده تکمیلی ۴-۲: انتخاب مدرسه (اعم از دولتی یا غیر دولتی، و نوآور یا غیر نوآور) توسط خانواده آزاد است، و وزارت آموزش و پرورش، نمی‌تواند محدودیتی را برای انتخاب مدرسه، به خانواده و شاگرد الزام نماید؛ مگر در مواردی که شاگرد معیارهای حداقلی شایستگی و توانمندیهای لازم برای ورود به یک مدرسه با ویژگیهای خاص را نداشته باشد.

ماده تکمیلی ۴-۳: مدارس دولتی و غیر دولتی خوداتکا، مجاز به گزینش شاگردان نیستند، و هر شاگردی که شرایط اولیه ضروری تحصیل در آن مقطع و گرایش تحصیلی را داشته باشد، می‌تواند در آن مدرسه تحصیل کند. با تصمیم و تعیین حجم توسط اداره آموزش و پرورش هر منطقه یا شهرستان، بخشی از ظرفیت هر مدرسه، انحصاراً به شاگردان محلی اختصاص داده می‌شود. این حجم نباید از ۵۰٪ ظرفیت مدرسه بیشتر باشد.

ماده تکمیلی ۴-۴: مدارس غیر دولتی خوداتکا به ازاء خدماتی که ارائه می‌کنند، بر اساس نرخهای مصوب وزارت آموزش و پرورش، می‌توانند علاوه بر مقدار سرانه ویژه هر شاگرد، مبلغ مازاد نرخ خدمات خود را از خانواده شاگرد دریافت کنند؛ اما موظفند، حداقل یک چهارم کل شاگردان خود را از بین خانواده‌هایی که توانمندی پرداخت مبلغ مازاد را ندارند، بدون دریافت مبلغ مازاد ثبت نام نمایند. نرخ مصوب، متناسب با هزینه‌های متعارف مدرسه، و در نظر گرفتن حجم یک چهارم مذکور، به صورت واقعی تعیین می‌شود، که گردش اقتصادی مدارس را در حد منطقی، امکان پذیر سازد. (این ماده فقط به عنوان سناریوی ثانوی، یک حالت ممکن و گزینه‌ای برای انتخاب احتمالی توسط قانونگذار در کنار ماده ۲ تبیین شده، و با برخی از مفاد ماده در تناقض است، و اغلب تدوین کنندگان نیز آن را توصیه نمی‌کنند)

ماده تکمیلی ۴-۵: خدمات و محیط تجملی در مدارس خوداتکا ممنوع است، و نرخ مصوب مدرسه برای چنین خدماتی، قابل افزایش نیست. شورای عالی آموزش و پرورش، ضوابط سطح خدمات و محیط متعارف مدرسه را تعیین می‌کند.

ماده تکمیلی ۴-۶: مدارس نوآور دولتی، نظیر مدارس غیر دولتی، در **انتخاب کارکنان** خود مختارند، و می توانند کارکنان خود را از بین کارکنان رسمی دولتی یا غیر رسمی غیر دولتی که مورد تأیید گزینش رسمی باشند، انتخاب، و اختیار آن را داشته باشند که آنها را برای مدت چند سال، به صورت مستمر حفظ کرده و تربیت مستمر کارکنان را برای عمل در الگوی مدرسه، با اطمینان از امکان تداوم حضور آنها در مدرسه انجام دهند.

ماده تکمیلی ۴-۷: **حقوق و مزایا و سربار هزینه‌های حقوق نظیر بیمه و مالیات کارکنان در استخدام رسمی دولتی** که در یک مدرسه خوداتکا فعالیت می کنند، به نسبت میزان اشتغال در آن مدرسه، از مجموع سرانه ویژه شاگردان که به مدرسه اختصاص یافته، کسر می شود.

ماده تکمیلی ۴-۸: **کارکنان** در استخدام رسمی دولتی، در صورت موافقت اداره آموزش و پرورش محل خدمت، می توانند در **مدارس غیر دولتی خوداتکا** فعالیت کرده، و حقوق و مزایای آنها از سهم سرانه مدرسه غیر دولتی مذکور کاسته شود.

ماده تکمیلی ۴-۹: **تمام هزینه‌های مدارس دولتی خوداتکا** (اعم از هزینه کارکنان، تاسیسات، نگهداری عمرانی و غیر آن) از محل سرانه ویژه شاگردان مشغول به تحصیل تأمین شده، و بودجه دیگری به مدارس اختصاص نمی یابد.

ماده تکمیلی ۴-۱۰: در صورتی که علیرغم نسبت‌های در نظر گرفته شده در محاسبه سرانه ویژه هر شاگرد، مجموع سرانه‌های اختصاص یافته شاگردان مشغول به تحصیل در یک مدرسه دولتی یا غیر دولتی خوداتکا، از هزینه‌های جاری و منطقی آن مدرسه یا نهاد، کمتر باشد، و وجود آن مدرسه یا نهاد نیز طبق نقشه جامع تربیت عمومی و رسمی، ضروری و اجتناب ناپذیر باشد، **“بودجه استثنائی تکمیلی”** برای آن مدرسه یا نهاد اختصاص داده می شود. مقدار بودجه‌های استثنائی تکمیلی، باید در محاسبات سرجمع سرانه خالص و الگوی محاسبات سرانه ویژه شاگردان کل مدارس خوداتکا، در قالب محاسبات هوشمند، لحاظ شود. (این ماده فقط به عنوان سناریوی ثانوی، یک حالت ممکن و گزینه‌ای برای انتخاب احتمالی توسط قانونگذار در کنار ماده ۲ تبیین شده، و با برخی از مفاد ماده در تناقض است، و اغلب تدوین‌کنندگان نیز آن را توصیه نمی کنند)

ماده تکمیلی ۴-۱۱: هر سال باید تمام محاسبات مربوط به سرانه هر شاگرد، کل بودجه اختصاص یافته به کل شاگردان مدارس خوداتکا در کشور، سرانه محاسبه و پرداخت شده به هر مدرسه در هر سال، بودجه استثنائی تکمیلی، هزینه‌های کل مدارس و ستاد وزارت آموزش و پرورش به تفکیک موضوعی، محاسبات حقوق و دستمزد تمام کارکنان دولتی به تفکیک موضوعی، و تمام مبنای محاسبات، و تحلیلهای مقایسه‌ای بین آنها برای بررسی تحقق عدالت آموزشی، با تمام جزئیات به صورت شفاف و مستمر و به شکل خودکار، در وبگاه وزارت آموزش و پرورش، منتشر شود.

ماده تکمیل ۴-۱۲: شورای عالی آموزش و پرورش موظف است با بسیج نهادهای اندیشه‌ورز، و مدارس نوآور، حمایت فکری و مشاوره‌ای لازم جهت طراحی برنامه‌درسی عملیاتی متنوع برای طیفهای مختلفی از اقتضائات، نیازها، و شرایط محیطی متفاوت، نهادهای فعال تربیت، را ایجاد کرده، و بخصوص به مدارس که توان محدودتری در طراحی و تدوین برنامه‌درسی دارند، نظیر مدارس روستائی، عشایر و کوچ نشین، مدارس حاشیه شهر و نظایر آن، برای تبدیل شدن به مدارس نوآور، ارائه کنند.

ماده تکمیلی ۴-۱۳: الگوی کنونی برنامه‌درسی رسمی، کماکان با تولید وزارت آموزش و پرورش، به عنوان یک برنامه‌درسی مرجع، با تمام پشتیبانی‌های آن (نظیر چاپ کتابهای درسی، تولید بسته‌های آموزشی و ...) حفظ و به صورت مستمر به روز شده، و مدارس نوآور نیز می‌توانند بخشهایی از آن را در الگوی برنامه‌درسی خود اتخاذ کنند.

ماده تکمیلی ۴-۱۴: طبق ضوابط و مقرراتی که ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، ظرف ۶ ماه از ابلاغ این سیاست‌ها تدوین و تصویب می‌کند، اختیارات و تدابیر لازم برای ایجاد ثبات مکان مدرسه، هویت، و سایر استلزامات و انگیزه‌های لازم برای مدیریت و کادر مدارس دولتی، برای پیوستن به مدارس نوآور و خوداتکا، تمهید می‌شود.

ماده تکمیلی ۴-۱۵: مدارس غیر دولتی خوداتکا که به هیچ عنوان شهریه دریافت نمی‌کنند، باید طبق مقررات و ضوابط مذکور در ماده ۴-۱۴، مورد حمایت‌های توسعه مکان و تجهیزات مورد ماده تکمیلی ۳-۲ قرار گیرند.

فصل پنجم - الگوهای شایستگی و کنکور

ماده ۶: برای ارتقاء و ترویج سازوکارهای ارزشیابی و ارتقاء سرمایه انسانی، به رویکرد ارتقاء شایستگی کیفیت محور، و ارزشیابی مستمر، و ایجاد تدریجی فرهنگ بکارگیری الگوهای شایستگی، با رویکردی نهادی و خودسازمانده، هم در حوزه‌های حاکمیتی و هم در حوزه‌های نهادی و اجتماعی، هر یک از مدارس نوآور، و دانشگاه‌ها، موظفند ظرف یک سال از ابلاغ این سیاست‌ها، یک الگوی ارزشیابی و ارتقاء شایستگی و سرمایه انسانی را انتخاب، بومی‌سازی، یا طراحی کرده، و در خود مدرسه، دانشگاه و در مورد شاگردان، دانشجویان و کارکنان خود اجرا کنند.

حداکثر پس از سه سال از ابلاغ این سیاست‌ها، نتایج الگوی ارزشیابی و ارتقاء شایستگی، باید به مدارک تحصیلی صادر شده آن مدارس و دانشگاه‌ها به صورت باز منتقل شده، به نحوی که مدارک تحصیلی فارغ‌التحصیلان، علاوه بر ارزشیابی قبلی متداول، ابعاد شایستگی‌ها و توانمندیهای آنها را از منظرهای مختلف، با تاکید بر نقاط قوت، منعکس کند، تا بتدریج فهم و توجه این ابعاد شایستگی، به سطح جامعه منتقل شود. سازمان اداری و استخدامی کشور و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، موظفند سازوکارهای مناسب برای ارتقاء فرهنگ درک ابعاد شایستگی‌های فارغ‌التحصیلان، و استفاده از نتایج این ارزشیابی‌ها در محیط کار را ایجاد و اجرا کنند. علاوه بر آن، دانشگاه‌ها موظفند با ترغیب، حمایت و ایجاد نهادهای اجتماعی و موسسات مشاوره، خدمات مشاوره در مورد الگوی مورد استفاده خود را در سطح جامعه نیز ارائه کنند.

ماده ۷: برای تمهید اثر بخشی تربیتی کیفی و خلاقیت ناشی از تنوع رویکرد آموزشی، لازم است تا الگوی سنجش و پذیرش دانشجو در آموزش عالی از الگوی متمرکز کنکور سراسری، بتدریج به الگوی متنوع و مبتنی بر نیاز دانشکده‌ها سوق پیدا کند. شورای سنجش و پذیرش دانشجو، موظف است ظرف یک سال، مقررات تصویب و نظارت بر الگوهای سنجش و پذیرش دانشجو توسط دانشکده‌ها را (از جمله شامل سازوکار پیشنهاد، بررسی و تصویب الگوهای سنجش و پذیرش دانشکده‌ها، سازوکار اعتبارسنجی و میزان تأثیر داده‌های سنجشی مؤثر در الگوهای سنجش و پذیرش دانشکده‌ها، الگوی تخصیص و توزیع داوطلبین بین رشته-محل‌ها - با اولویت قراردادن علایق داوطلبین - و سازوکار نظارت بر فرآیند سنجش و پذیرش اجرا شده توسط دانشکده‌ها) تدوین و ابلاغ نماید. به همین دلیل لازم

است تا طبق اولویتها و برنامه تنظیمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، هر دانشکده یا گروه آموزشی در دانشکده، بر اساس رویکرد آموزشی، نیازمندیها و خصوصیات رشته‌های تحصیلی خود، معیارها و الگوهای سنجش و پذیرش دانشجوی خود را به تصویب شورای سنجش و پذیرش دانشجو رسانده و فرایند سنجش و پذیرش با نظارت سازمان ملی سنجش و ارزشیابی نظام آموزش کشور، بر اساس آن الگو انجام شود. بر این اساس دانشکده‌ها در یک فرایند تدریجی، از شمول سنجش و پذیرش متمرکز کنکور سراسری خارج شوند.

ماده تکمیلی ۵-۱: الگوی سنجش و پذیرش رشته-محل‌های کم‌متقاضی که میانگین تعداد داوطلبین (انتخاب رشته-محل بین ده انتخاب اول داوطلبین) به ظرفیت سه سال گذشته آن‌ها یک یا کمتر از یک بوده است، می‌تواند تا ۱۰۰ درصد جایگزین الگوی متمرکز کنکور سراسری و امتحانات نهایی شود، الگوی سنجش و پذیرش رشته-محل‌های با متقاضی متوسط که میانگین تعداد داوطلبین به ظرفیت سه سال گذشته آن‌ها سه یا کمتر از سه برابر بوده است، می‌تواند تا ۴۰ درصد جایگزین الگوی متمرکز کنکور سراسری و امتحانات نهایی شود و الگوی سنجش و پذیرش رشته-محل‌های پرمتقاضی که میانگین تعداد داوطلبین به ظرفیت سه سال گذشته آن‌ها بیش از سه برابر بوده است، می‌تواند تا ۱۰ درصد جایگزین الگوی متمرکز کنکور سراسری و امتحانات نهایی شود. (این ماده نیاز به اصلاح و دقیق شدن برخی عبارات و تحلیل دیدگاههای مختلف دارد)

ماده تکمیلی ۵-۲: سازمان ملی سنجش و ارزشیابی نظام آموزش کشور موظف است با ایجاد سامانه واحد، ضمن فراهم کردن شرکت عادلانه داوطلبان در فرایند سنجش و پذیرش رشته-محل‌های مختلف، اطلاعات و داده‌های سنجشی مؤثر در الگوهای سنجش و پذیرش رشته-محل‌های دانشکده‌ها یا گروه‌های آموزشی را از نهادهای مختلف دولتی و غیردولتی جمع‌آوری نماید و به صورت شفاف در دسترس دانشکده‌ها و نیز داوطلبین قرار دهد. این داده‌ها می‌تواند شامل سوابق تحصیلی و پرورشی، مسابقات و آزمون‌ها، مدارک و گواهی‌ها، امتیاز فرایندهای ارزیابی داخلی دانشگاه‌ها و موارد مشابه باشد. همچنین مؤلفه‌های الگوهای سنجش و پذیرش رشته محل‌های مختلف، و میزان اثر داده‌ها در پذیرش رشته-محل‌های مختلف، و نیز چگونگی استحصال آن، و چگونگی تعامل با دانشکده‌های مختلف برای شرکت در فرایند سنجش و گزینش آنها، از طریق این سامانه اعلام، و مشاوره حتی الامکان هوشمند

از این طریق به داوطلبان، ارائه شده، و امکان ثبت نام و شرکت در فرایند سنجش و پذیرش، از طریق سامانه فراهم گردد.

ماده تکمیلی ۳-۵: دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی می‌توانند بخشی از فرایند سنجش و پذیرش را در مقطع متوسطه دوم، و بصورت تدریجی انجام دهند.

ماده تکمیلی ۴-۵: دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی با رویکردها و فضای اجتماعی و تخصصی نزدیک به هم، می‌توانند با تشکیل یک زنجیره مشترک، الگوی سنجش و پذیرش مشترکی را تعریف و اجرا نمایند.

ماده تکمیلی ۵-۵: ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، ظرف یک سال از ابلاغ این سیاست‌ها، موظف است معیارها و سازوکارهای ارائه گواهینامه‌های هوشمند شایستگی‌ها را مبتنی بر رویکرد مدرک باز و مبتنی بر سازوکار تبیین توانمندیها و شایستگیها و تجارب، تدوین، ابلاغ، و پس از آن نیز به صورت مستمر به روز کند. مبتنی بر این رویکرد، در هر گونه گواهینامه و مدرک تحصیلی در آموزش عمومی و رسمی، به جای ارائه نمره کلی به صورت کمی یا کیفی، برای نشان دادن وضعیت شاگرد در گواهینامه، مولفه‌های اصلی شایستگی او به تفکیک، به اجمال یا تفصیل، در طول تمام مدت تحصیل و پس از آن در طول مدت خدمت، بیان می‌شود. وزارت آموزش و پرورش، با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان امور اداری و استخدامی کشور، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، موظف است ظرف دو سال از ابلاغ این سیاست‌ها، بسترها و سازوکارهای گواهینامه‌های هوشمند را تمهید و اجرا نماید.

الحمد لله رب العالمین

انتهای سند

فهرست پیوست‌ها

- ۱- کتابچه معرفی بسته سیاستی به زبان ساده، نگارش آقای دکتر ابراهیم راستیان
- ۲- گزارش فعالیت‌های دبیرخانه قرارگاه هم‌افزایی اجتماعی تحول نظام تربیت
- ۳- فهرست صاحب‌نظرانی که با آن‌ها در مورد بسته سیاستی، تعامل شده و نظرات آن بزرگوران کسب شده است.
- ۴- پرده‌نمای معرفی بسته سیاستی هم‌افزایی اجتماعی تحول نظام تربیت
- ۵- لوح فشرده حاوی فیلم‌های معرفی عمومی بسته سیاستی و معرفی کارگروه‌ها